

## سازهانگاری خشونت مداوم و قوام متقابل بین نظام بین‌الملل و افراط‌گرایی سلفی

علی آدمی\*

عبداله مرادی\*\*

### چکیده

رشد افراط‌گرایی در جهان اسلام و هم‌زمان تشدید خشونت‌های هژمونیک در نظام بین‌الملل به‌بانه مبارزه با تروریسم، از جمله تحولات چند دهه اخیر در صحنه بین‌الملل است. فهم هویت و رفتار جریان سلفی افراطی در جهان اسلام با تحولات بین‌المللی مرتبط است. بنابراین، به‌نظر می‌رسد مطالعه‌ای نظام‌مند در حوزه روابط بین‌الملل، مبتنی بر تعامل پویای ساختار و کارگزار قدرت تبیین‌کنندگی بالایی در موضوع تحول هم‌زمان «نظام بین‌الملل» و «اسلام سلفی - افراطی» خواهد داشت. براین اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که «نظام بین‌الملل و افراط‌گرایی سلفی در طول مقطع تاریخی پساجنگ سرد تاکنون چگونه در یک‌دیگر تأثیر گذاشته‌اند؟» با توجه به چهارچوب نظری سازهانگاری تلاش می‌شود تا پاسخ به این پرسش از طریق مطالعه فرایند ادراک بین‌الذهانی گروه‌های افراطی سلفی و تأکید بر برساخته‌بودن روابط ساختار و کارگزار صورت گیرد. به‌نظر می‌رسد این دو مؤلفه نه‌تنها تأثیرات نظری و عملی بر یک‌دیگر دارند، بلکه می‌توان قوام متقابل ساختار بین‌الملل و افراط‌گرایی سلفی را اصلی‌ترین ویژگی پویایی بین‌الملل در دهه‌های اخیر به‌شمار آورد.

**کلیدواژه‌ها:** سازهانگاری، سلفی، افراطی، نظام بین‌الملل، هژمونی، خشونت.

\* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، aliadami2002@yahoo.com

\*\* دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، moradi.abdolah@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۳۰

## ۱. مقدمه

سلفی‌گری جریانی مذهبی و اجتماعی است که به دنبال بازگشت به اعتقادات و شیوه عمل صحیح سه نسل اول مسلمانان است. آن‌ها به مفهوم ویژه توحید یا وحدانیت خداوند، در مقابل شرک معتقدند و قرآن و سنت را یگانه منابع اصیل قانون و قدرت می‌دانند و مخالف هرگونه بدعت‌اند (Haykel, 2009: 38). بنابراین، سلفی‌گری با استفاده از تفسیر گزینشی و البته ظاهرگرایانه از قرآن و سنت مستعد ستیزه‌جویی است. در نتیجه، افراط یکی از صورت‌های پدیداری سلفی‌گری درمی‌آید که حاصل افزودن بُعد خشونت به آن است. افراط‌گرا نیز صفتی است که به گروه‌هایی اطلاق می‌شود که به منظور تحمیل باورها و ایدئولوژی خود به دیگران به خشونت متوسل می‌شوند (Baqai, 2011: 242). در واقع، گروه‌های سلفی - حدیثی، که مبارزه سیاسی برای کسب قدرت را صرفاً از طریق کاربرد خشونت و حربۀ تکفیر علیه مخالفان و براندازی خشن حکومت‌ها می‌دانند تا خلافت اسلامی را احیا و قانون شریعت را اجرا کنند، جریان «اسلام سلفی - افراطی» تعریف می‌شوند. ابومصعب سوری، از چهره‌های برجسته القاعده، این جریان را آمیخته‌ای از «فقه سیاسی ابن تیمیه، دعوت محمد بن عبدالوهاب، اندیشه سیاسی سیدقطب، و نهایتاً اصول اخوان المسلمین» معرفی می‌کند (السوری، ۱۴۲۵: ۶۹۸). اما نقطه عطف ظهور جریان یادشده به تهاجم شوروی به افغانستان در ۱۹۷۹ و تلاش امریکا براساس تغییر توازن از طریق «جنگ نیابتی» بازمی‌گردد که طیف گسترده‌ای از جهادگران مسلمان از کشورهای گوناگون برای جهاد به این کشور رفتند که به «عرب - افغان‌ها» معروف شدند (Hegghammer, 2010: 62). ثمره این حضور و پیوند وهابیت جهادی از طریق اسامه بن لادن، اندیشه‌های سلفی دیوبندی از طریق مدارس اسلامی پاکستان و نهایتاً اندیشه‌های سیدقطب از طریق ایمن الظواهری، و شکل‌گیری جهاد جهانی در قالب سازمان القاعده بود (Hanzel, 2005: 87; Gerges, 2005).

بی‌تردید مطالعه تحول در اسلام‌گرایی و سوق‌یافتن آن به افراط‌گرایی و هم‌چنین تحول درون افراط‌گرایی و گرایش‌های گوناگون درونی آن، هرچند از عناصر هنجاری دینی (سلفی) بهره‌مند است، اما تاریخ تحولات نشان می‌دهد به نحو فزاینده‌ای متأثر از ساختار هنجاری - مادی نظام بین‌الملل است. براین اساس، هدف اصلی این پژوهش فهم فرایند قوام‌یافتن متقابل هویت سلفی افراطی و ساختار نظام بین‌الملل است تا این موضوع را فراتر از نگرش‌های تقلیل‌گرایانه و تک‌بعدی، در چهارچوبی هویتی - هنجاری و با توجه به رابطه ساختار و کارگزار ادراک کند که می‌تواند الگویی جامع در فهم پویایی‌های بین‌الملل و هویت‌های افراطی معاصر در جهان اسلام باشد. براین اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن

است که «نظام بین‌الملل و افراط‌گرایی سلفی در طول مقطع تاریخی پساجنگ‌سرد تاکنون چگونه در یک‌دیگر تأثیر گذاشته‌اند؟»

این تحقیق برای پاسخ به پرسش اصلی دربرگیرنده چندین بخش است. پس از مقدمه و تشریح چهارچوب نظری سازه‌انگاری، در بخش دوم شاخصه‌های ساختاری نظام بین‌الملل معاصر پساجنگ‌سرد برشمرده خواهد شد. با توجه به این‌که برسازنده‌ی هویت افراط‌گرایی همین تعامل پویای ساختار و کارگزار است، در بخش سوم نتیجه‌ی تعامل ساختار و کارگزار در قالب «ادراک بین‌ذهانی» گروه‌های سلفی افراطی متأثر از وجوه ساختار نظام بین‌الملل در یک قالب موضوعی و روند تاریخی ارائه می‌شود. در بخش چهارم، با ترسیم الگوی مفهومی هویت‌یابی اسلام سلفی - افراطی متأثر از ساختار نظام بین‌الملل این فرضیه‌ی فرعی طرح می‌شود که مؤلفه‌های نظام بین‌الملل (هنجاری، مادی، و نهادی) با تشدید برانگیختگی هویتی و ادراک مظلومیت اسلام به دگرسازی‌های خشونت‌آمیز و نقش‌یابی افراطی در قالب دو کنش جهادی و تکفیری در بین اسلام‌گرایان برای نیل به احیای خلافت منجر شده است. هم‌چنین، مؤلفه‌های ساختاری نظام بین‌الملل در بستری تاریخی ضمن تشدید روند اسلام‌گرایی به‌سوی افراط‌گرایی، تغییر درون افراط‌گرایی در قالب سه نسل سلفی - افراطی را نیز موجب شده است. در بخش پنجم، تلاش می‌شود تا تأثیراتی که افراط‌گرایی در طول دهه‌های پس از فروپاشی شوروی بر ساختار نظام بین‌الملل گذاشته است مورد بحث قرار گیرد. در این‌جا می‌توان این فرضیه‌ی فرعی را ارائه کرد که «افراط‌گرایی با قوام‌بخشی به هنجارهای جنگ علیه تروریسم در قالب تعمیق فرهنگ کانتی در بین اعضای غربی نظام جهانی و نیز گسترش فرهنگ هابزی بین اسلام - غرب و هم‌چنین نفی نظم دولت - ملت، یک‌جانبه‌گرایی امریکا و جهانی‌شدن تهدید تروریسم، ویژگی هژمونیک نظام بین‌الملل موجود را قوام‌بخشیده است». درنهایت، دو محور کارگزار و ساختار در بخش‌های انتهایی با عنوان «افراط‌گرایی سلفی و مشروعیت نظم هژمونیک» جمع‌بندی خواهد شد و فرضیه‌ی اصلی در پاسخ به پرسش اصلی در بخش جمع‌بندی ارائه می‌شود.

## ۲. چهارچوب نظری

چهارچوب نظری این پژوهش مبتنی بر «سازه‌انگاری» (constructivism) به‌منزله‌ی چهارچوبی تحلیلی و فراتر از حوزة ساخت اجتماعی واقعیت است. مسئله‌ی هویت کنشگران در کانون ره‌یافت سازه‌انگاری قرار دارد. از این منظر، هویت امری طبیعی، ذاتی، و

از پیش موجود نبوده، بلکه برساخته‌ای اجتماعی است که تحت تأثیر ساختارهای هنجاری و معنایی ساخته می‌شود و سپس خود نیز سازنده نقش و کنش‌ها می‌شود (پرایس و اسمیت، ۱۳۸۵: ۵۱۹). یکی دیگر از موضوعات مهم در سازه‌انگاری قوام متقابل «ساختار» و «کارگزار» است. از این منظر، بین ساختار و کارگزار رابطه سازه وجود دارد و طی فرایندی دگرگونی هم‌بستر و هم‌کنشگر به یک‌دیگر قوام می‌بخشند. مهم‌ترین نکته درباره ساختارها این است که ساختارهای هنجاری و فکری به‌اندازه ساختارهای مادی اهمیت دارند (Lupovici, 2009: 213).

«ونت» در تئوری اجتماعی سیاست بین‌الملل بیان می‌کند که سرشت نظام در کل یا آنچه او فرهنگ روابط بین‌الملل می‌نامد، می‌تواند سه حالت داشته باشد: فرهنگ هابزی، لاکی، و کانتی که به رفتار دولت‌ها ساختار می‌بخشند. فرهنگ لاکی، که همراه با موازنه قدرت، رقابت امنیتی، و جنگ‌های محدود است، به فرهنگ کانتی گذار دارد که همراه با امنیت دسته‌جمعی و حل و فصل اختلافات با خشونت است. رفتار بازیگران بستگی به نوع فرهنگی است که در خود درونی کرده‌اند. در فرهنگ هابزی تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران وجود دارد، تأکید بسیاری در فاکتورهای نظامی دارد، و اگر جنگی نیز رخ دهد، طرفین زورشان را محدود نخواهند کرد. در فرهنگ لاکی بازیگران با تضادهایی که دارند به حاکمیت نیز احترام می‌گذارند. قدرت نظامی مهم است، اما اولویت نیست. در فرهنگ کانتی دولت‌ها منازعات خود را بدون جنگ و خون‌ریزی حل و فصل می‌کنند، به‌صورت تیمی عمل می‌کنند، و برحسب نوع درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی اتخاذ می‌کنند (Zehfuss, 2002: 157).

تحقیق حاضر برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش‌های اهدافی توصیفی، تبیینی، و تفسیری دارد؛ زیرا، به‌دنبال فهم چگونگی هویت‌ها و ساخت واقعیت‌هاست. هم‌چنین، با توجه به نوع کیفی پژوهش، استراتژی تاریخی و استراتژی ساخت اجتماعی واقعیت را دنبال می‌کند تا بتواند ضمن توصیف، فهم دقیق‌تر و تبیینی واقع‌بینانه‌تر (به‌لحاظ تکوینی) از موضوع پژوهش ارائه کند.

### ۳. ساختار نظام بین‌الملل پساجنگ سرد

#### ۱.۳ ساختار مادی (قطبی)

با تمامی اختلاف‌نظرها درباره تبیین ماهیت نظام بین‌المللی جدید، که برخی به دو الگوی «تک‌قطبی» و «هژمونیک» اشاره دارند (جمشیدی، ۱۳۸۶: ۷۸۷) و برخی دیگر ضمن اشاره

به فاصله قدرت‌ها آن را نظامی «تک - چندقطبی» می‌دانند یا بوزان و ویور که نظام پساجنگ سرد را «یک - چهارقطبی» معرفی می‌کنند (بوزان، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۶)، از ویژگی‌های اصلی نظام پساجنگ سرد این است که یکی از عوامل تعیین‌کننده نظم به تمایل و تلاش ایالات متحده آمریکا به مداخله برای ایجاد نظم «هژمونیک» در نظام بین‌الملل مربوط می‌شود (Brooks and Wohlforth, 2001: 34). به گونه‌ای که طرح «نظم نوین جهانی» (New World Order)، از سوی جورج بوش (پدر)، تأکید دولت کلینتون بر مسئله «مداخله بشردوستانه» و پس از آن «مبارزه با تروریسم» در دوره جورج بوش (پسر) که در دستورکار قرار گرفت و در دوره باراک اوباما در قالب «حضور غیرمستقیم و موازنه قدرت» (Friedman, 2015) تداوم یافت. براین اساس، مجموعه اقدامات آمریکا در جنگ اول خلیج فارس در ژانویه ۱۹۹۱ تا اشغال نظامی افغانستان و عراق در سال ۲۰۰۳ و پس از آن را می‌توان نشانه‌هایی از تلاش سازمان‌یافته آمریکا برای هژمونی در سیاست بین‌الملل دانست (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۷) که البته واجد اعمال خشونت شدید علیه جهان اسلام بوده است. به همین سبب نیز مسلمانان آمریکا را اصلی‌ترین عامل ناامنی و بی‌ثباتی در جهان اسلام تلقی می‌کنند.

از سوی دیگر، هم‌زمان با هژمون‌گرایی آمریکا، خلأ فروپاشی شوروی در نظام بین‌الملل به‌طور مؤثری با منطقه‌گرایی (به‌مثابه شاخصه دیگر نظم جدید) نیز در حال پرشدن است که رابطه معکوسی بین این دو الگو برقرار است (افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۸۳). به‌ویژه در غرب آسیا پس از یازدهم سپتامبر حضور گسترده نظامی آمریکا در قالب الگوی تک‌قطبی امنیتی صورت گرفت، اما افزایش چالش‌های منطقه‌ای پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ «پایان دوران امریکایی» را تسریع کرد (Haass, 2006) و پس‌از آن، در الگوی چندقطبی تنش ژئوپلتیک و رقابت گفتمانی بین بازیگران داخل منطقه تعریف شد.

### ۲.۳ ساختار معنایی - هنجاری

بعد دیگر نظام بین‌الملل ساختار معنایی هنجاری آن است. اصلی‌ترین مشخصه هنجاری نظام بین‌الملل پساجنگ سرد در مؤلفه «لیبرال دموکراسی» تعریف می‌شود. این مفهوم قواعد حقوق ناظر به روابط بین‌الملل را برپایه ارزش‌های لیبرال تنظیم می‌کند و تلاش می‌کند خصلت شمول و فراگیری آن را گسترش دهد (میراحمدی، ۱۳۸۹: ۲۴۵). جهانی‌شدن فرهنگی مشخصه دیگر هنجاری نظام بین‌الملل است که به شدت یافتن یک‌سان‌سازی فرهنگی به معنی حرکت به سوی الگوی فرهنگی واحد و یک‌پارچگی فرهنگی جهان اشاره دارد (قرلسفلی،

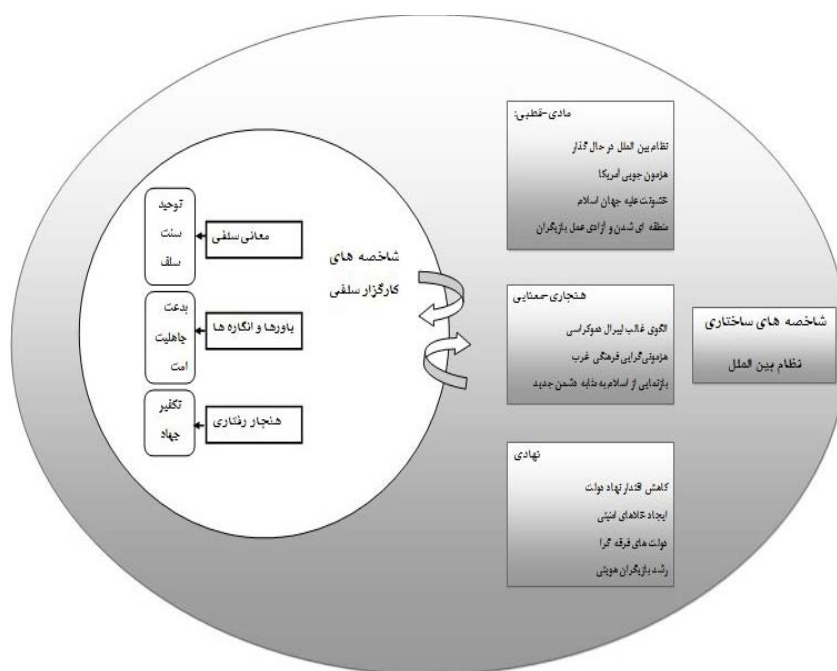
۱۳۸۶). ساختار هنجاری نظام بین‌الملل مبتنی بر شاخصه مفهومی لیبرال دموکراسی و هم‌چنین الگوی جهانی‌شدن فرهنگی (در قالب یک‌سان‌سازی) منشأ خشونت علیه جهان اسلام به‌شمار می‌رود؛ در قالب هنجاری یادشده، سازوکارهای جامعه‌شناختی لازم برای تولید ایده‌ها و رویه‌های مدرنیته غربی و تحمیل آن بر جوامع غیرغربی، به‌ویژه زیست جهان اسلامی، فراهم می‌شود که نتیجه آن برساختن گفتمان اسلام‌هراسی، مبارزه با تروریسم، تبدیل جهان اسلام به دستور سیاسی امنیتی در نظام بین‌الملل، و ایجاد ساختاری تبعیض‌آمیز علیه مسلمانان در غرب است. این امور چهره پنهان خشونت در هژمونی سیاست‌های فرهنگی را شکل می‌دهد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۷: ۷۶).

### ۳.۳ ساختار نهادی

ساختار نهادی نظام بین‌الملل به اجزا و بازیگران اصلی تشکیل‌دهنده آن اشاره دارد. به‌ویژه این‌که در نظام بین‌الملل معاصر با افزایش چندجانبه‌گرایی، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای غیردولتی، و جنبش‌های اجتماعی نقش برجسته‌ای دارند (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۹۶۶) و کاهش اقتدار نهاد دولت اصلی‌ترین شاخصه محسوب می‌شود. به‌ویژه درباره جهان اسلام ابزارهای نهادی و ذهنی تسلط دولت بر جامعه، که انگیزه آن را برای تداوم سرکوب افزایش می‌داد (Esposito, 2014)، کاهش می‌یابد و به‌محض بروز خلأ قدرت، گروه‌های افراطی‌شده با بسیج مردمی به‌صحنه می‌آیند. بنابراین، به‌منزله شاخصه بعدی ساختار نهادی «خلأهای امنیتی» یا به‌اصطلاح «بهشت‌های امن» به‌وجود می‌آید که دولت‌ها به‌سبب ضعف توانایی یا فاصله جغرافیایی امکان اعمال دقیق حاکمیت را بر آن‌ها ندارند. در کشورهای نظیر یمن، لیبی، افغانستان، سوریه، پاکستان (مناطق قبایلی)، صحرای غربی آفریقا، و ... که به‌علت اختلاف‌ها اقتدار دولت در همه مناطق گسترده نیست و این وضعیت موجب ایجاد فضایی برای فعالیت افراطیون می‌شود (Sanderson et al, 2015: 39-40). دیگر شاخصه نهادی به فعالیت دولت‌های فرقه‌ای به‌مثابه کارگزار حمایت از تروریسم بازمی‌گردد. در این زمینه، یکی از مهم‌ترین بازیگران فرقه‌ای در جهان اسلام عربستان سعودی است که با حمایت آن فرقه‌گرایی آشکارا در نقاط گوناگون در جهان اسلام رواج یافته است. عربستان از طریق نهادهایی مانند «رابطة الاسلامیه» به ترویج وهابیت و از مقطع جهاد در افغانستان تاکنون با استفاده از سازمان‌هایی نظیر «سازمان جهانی امداد اسلامی» (Iiro) و «لیگ جهانی جوانان مسلمان» (Wamu) حمایت مالی و معنوی از گروه‌های افراطی صورت می‌دهد (Abuza, 2003).

#### ۴. ساخت هویت و ادراک افراط‌گرایی سلفی

با توجه به تأکید سازه‌انگاری سطح واحد بر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی داخلی (Wiener, 2003: 245) برای فهم «افراط‌گرایی» باید به منابع سلفی به‌منزله اصلی‌ترین مبانی هویتی آن رجوع کرد. همچنین، در روند برساخته‌شدن کارگزار باید به ساختارها نیز به‌شکل توأمان توجه کرد. بنابراین، سازه‌انگاری روند برساخته‌شدن متقابل را توصیف می‌کند که ساختار و کارگزار به‌شکل متقابل هم‌دیگر را قوام می‌بخشند. برای مفهومی‌کردن رابطه ساختار با کارگزار از مفهوم «ساخت‌یابی» (structuration) استفاده می‌شود که ایده وابستگی متقابل و ارتباط درونی را مطرح می‌کند. بنابراین، هم‌زمان که نقش عوامل ساختاری مانند نظام قطبی بین‌الملل، بحران منطقه‌ای، و خلأ امنیتی در شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تروریسم در نظر گرفته می‌شود، باید به جایگاه هویت مبتنی بر شریعت جهادگرا، ادراک بین‌ذهانی از جاهلیت جهانی، و ... به‌منزله عناصر ارزشی - هنجاری نیز پرداخت. این موضوع را در قالب الگوی ترسیم‌شده در شکل ۱ می‌توان دید.



شکل ۱. ارتباط ساختار بین‌الملل و کارگزار سلفی

#### ۱.۴ ادراک «مظلومیت و تجاوز» و کنش «جهاد هم‌بستگی»: نسل اول سلفی افراطی

گراهام فولر و یان لسر بر این نکته تأکید می‌کنند که دو مضمون کلیدی بیش از همه مشخص‌کننده تصورات اسلام‌گرایان در رابطه با دیگران است. «رجعت به گذشته پرشکوه تمدن اسلامی» و «احساس گسترده تحقیر مسلمانان از سوی غرب» (فولر، ۱۳۸۴: ۲۷-۴۹). بنابراین، خشونت و رشد گروه‌های تروریستی معلول خشونت نظامی غرب و به‌ویژه امریکا در جهان اسلام و تلقی بین‌ذهانی مبتنی بر «مظلومیت» مسلمانان در برابر «تجاوزگری» دشمن غربی است که بر این اساس، جهاد به‌مثابه «مهم‌ترین وظیفه برای زدودن وضعیت فلاکت‌بار مسلمانان» مطرح می‌شود (Azzam, 2012 a: 13). متکی بر ایده سیدقطب که «مسلمانان واقعی آن‌هایی هستند که در راه اعتلای کلمه حق به جهاد مشغول‌اند» (سیدقطب، ۱۳۷۲: ۳۹)، سازمان القاعده را تشکیل داد تا جریان مؤمن قرآنی تأسی‌کننده به نسل صحابه را به‌منزله نیروی پیش‌تاز به‌سوی سرزمین‌هایی هدایت کند که مسلمانان در آن‌ها تحت ستم‌اند (Gunaratna, 2003: 21). در این بین، اسامه بن لادن و ایمن الظواهری تشکیل‌دهنده گروه پیشاهنگ انقلابی را با تأسیس القاعده عینیت بخشیدند و دیگر رهبران فکری مانند عبدالله عزام، ابومحمد المقدیسی، و ابوقتاده الفلستینی مفهوم «جهاد هم‌بستگی» (جهادالتضامنی) را مطرح کردند و اولویت مبارزه را به جهاد علیه امریکای صلیبی (دشمن دور) دادند که جهان اسلام را به اشغال درآورده است.

بن لادن با توجه به حمله امریکا به عراق در جنگ خلیج فارس، حضور نظامی در سرزمین عربستان، و حمایت مستمر از رژیم صهیونیستی، در اوت ۱۹۹۶ اعلامیه «جهاد علیه امریکایی‌های اشغال‌گر حرمین شریفین» و هم‌چنین در فوریه ۱۹۹۸ «جبهه اسلامی جهانی علیه ائتلاف صلیبی یهودی» را همراه با برخی دیگر از رهبران جهادی منتشر کردند و فتوای «کشتن امریکاییان و متحدان آن‌ها - چه شهروندان و چه نظامیان - را به‌عنوان واجبی عینی» (Bin Laden, 2004: 74) اعلام کرد. بر این اساس، مهم‌ترین عملیات ضد امریکایی القاعده در یازدهم سپتامبر روی داد که بن لادن آن را به‌مثابه «نبرد موته، آغاز زوال امریکا» (ibid, 224) نامید. راه‌برد عملیاتی القاعده نیز در قالب «مقابله‌به‌مثل» و «توازن فی‌الرعب» قرار گرفت. بن لادن بر این باور بود که می‌توان در ایجاد کردن وحشت با کشتن امریکایی‌ها توازنی به‌وجود آورد که نهایتاً امریکا را مجبور به خروج از جهان اسلام کند و آن را براساس فتوای ابن قیم جوزی که «اگر کافران زن‌ها و بچه‌های شما را کشتند، بنابراین شما نباید از انجام مقابله‌به‌مثل شرم کنید» (ibid, 2004: 241)، امری شرعی و براساس استدلال «آن‌چه در یازدهم سپتامبر گذشت صورت‌حساب خودتان بود که مرجوع شد»



(بن لادن، ۱۴۲۹) توجیه کرد. ایمن الظواهری نیز ضمن تأکید بر این که «نبرد بین اسلام و دشمنانش نسبت به اختلافات داخلی در اولویت قرار دارد» (Al-Zawahiri, 2001) در رساله *دستورالعمل‌های عمومی برای جهاد*، که در سال ۲۰۱۳ خطاب به امیران شاخه‌های منطقه‌ای القاعده منتشر شد، آورده است: «اقدامات نظامی القاعده در وهله اول سران (بین‌المللی) کفر، امریکا، و متحدش اسرائیل و دوم متحدان داخلی‌اش را که در دیگر کشورها حاکم هستند، هدف قرار می‌دهد» (ibid, 2013). القاعده خود را به منزله نیروی پیش‌تاز جهان اسلام در نظر می‌آورد که موظف است موازنه شکل گرفته در نظام بین‌الملل علیه مسلمانان را برهم بزند؛ بنابراین، ایمن الظواهری در *مبارزان تحت لوای پیامبر* هرچند هدف غایی را خلافت می‌داند، اما هدف جهادی را بر آن مقدم می‌دارد؛ زیرا، «تا زمانی که جهان اسلام زیر یوغ امریکا و یهود هستند نمی‌توان اصلاحی (ایجاد خلافت) صورت داد» (ibid, 2001).

#### ۲.۴ ادراک «جنگ صلیبی» و کنش «جهاد مکانی»: نسل دوم سلفی افراطی

شاخصه دیگر برانگیختگی هویتی، که به تشدید افراط‌گرایی در آن منجر شد، به ادراک بین‌الذهانی آنان از تحولات منطقه‌ای پس از یازدهم سپتامبر بازمی‌گردد. به گونه‌ای که صحنه جنگ در عراق از سوی جریان سلفی به مثابه جنگ صلیبی سوم و نبردی تاریخی و آخرزمانی مورد فهم قرار گرفت که در آن همه اسلام مورد هجوم قرار گرفته است، اما آنچه باعث این فهم شد شکل‌گیری نظامی دموکراتیک با اکثریت شیعی در عراق بود که برای تضعیف اعراب سنی و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تلقی می‌شد (Beehner, 2006). بنابراین، گروه‌های سلفی متأثر از محمد بن سرور زین‌العابدین که در *وجاء دور المجوس*<sup>۱</sup> اعلام کرده بود: «انقلاب (امام) خمینی در ایران، مجوسی و نه اسلامی، عجمی و نه عربی، کسرابی و نه محمدی است» (محمد الغریب، ۱۳۹۳: ۲۴۱)، ضدیت با ایران صفوی و شیعیان رافضی را در دستور کار قرار دادند. در نتیجه این انگاره‌پردازی تصوراتی هم‌چون «اشغال عراق به دست رافضیان»، و «هم‌دستی ایران با کفار امریکایی علیه اهل سنت در عراق» با شبیه‌سازی جنگ‌های صلیبی مطرح شد (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸). مهم‌ترین چهره سلفی افراطی مؤثر در عراق ابومصعب زرقاوی بود که ضمن بیعت با بن لادن، چندین گروه و در نهایت، «دولت اسلامی عراق» را به منزله شاخه القاعده در عراق تأسیس کرد که به‌علت برخورداری از شبکه‌ای گسترده برای جذب و استخدام افراد در سطح بین‌المللی به سرعت رشد کرد (Lister, 2014: 9). او سخنرانی‌های مشهوری با عنوان «هل اتاک حدیث الرافضه» ایراد کرد و ضمن تأکید بر خیانت‌های تاریخی شیعیان به اهل سنت اعلام کرد: «پیروزی بر

کافران متجاوز نظیر یهودیان و مسیحیان امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر این‌که ابتدا جهاد علیه شیعیان صورت گیرد» (الزرقاوی، ۱۴۲۷: ۱۱). بنابراین، حملات القاعده در عراق با الگوی غالب عملیات انتحاری عمدتاً متوجه نهادهای دولتی و اهداف سیاسی نظیر احزاب شیعی و اهداف شهری نظیر تجمعات و مراکز شیعی شد (مهربان، ۱۳۸۷: ۵۰). این اولویت‌دادن به جهاد علیه شیعیان اصلی‌ترین تفاوت راه‌بردی بین القاعده عراق به‌منزله نسل دوم سلفی افراطی با سازمان القاعده مرکزی به‌منزله نسل اول بود. بنابراین، ایمن الظواهری ضمن انتقاد از این رویکرد به‌شکل مکرر طی نامه‌هایی به زرقاوی درباره پای‌بندی به دو هدف القاعده یعنی لزوم بیرون‌راندن نیروهای دشمن امریکایی از عراق و استقرار موجودیت اسلامی در این کشور هشدار می‌داد (Bar and Minzili 2006: 41).

در کنش تکفیری، «جهاد مکانی» با نزدیک‌ترین دشمنان در اولویت خواهد بود؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ» (توبه: ۱۲۳) به‌همین سبب، نسل دوم سلفی افراطی (القاعده در عراق، جبهه‌النصره در سوریه، و ...) نسل سوم سلفی افراطی در قالب خلافت اسلامی داعش، ضمن تکفیر شیعیان به‌علت اعتقاد به شفاعت، توسل، زیارت، و ...، در بازسازی تاریخی آن‌ها را هم‌کار دشمنان در جنگ‌های صلیبی نیز تصور کرد و بنابراین، به‌طور فزاینده‌ای تمرکز خودشان را بر انجام‌دادن حملات علیه «دشمن نزدیک» قرار دادند (Lister, 2014: 1-3). آمارها نیز نشان می‌دهد در فاصله سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ درحالی‌که عملیات‌ها در عراق علیه دشمن امریکایی تقریباً ثابت (حدود ده عملیات در سال) بوده است، اما عملیات تروریستی علیه اهداف داخلی (دولت، گروه‌های سیاسی، و مردم شیعه) روندی افزایشی (به بیش از ۹۰۰ مورد در هر سال) داشته است (Jones, 2014: 36). ۴۱ درصد حملات انتحاری نیز صرفاً شهروندان عادی را هدف قرار داده است (Chicago Project, 2016).

#### ۳.۴ ادراک «هجرت و تکفیر» و کنش «خلافت»: نسل سوم سلفی افراطی

در ادامه رقابت منطقه‌ای، که از زمان اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ آغاز شد و در انقلاب‌های عربی تشدید شد، کنش کشورها برای تغییر توازن، معطوف به استفاده از بازیگران هویتی در قالب «منازعه نیابتی» به‌منظور نفوذ در نظام‌های سیاسی دولت‌های ضعیف منطقه بود (Gause, 2014: 12). در این فرایند، گروه‌های سلفی به‌منزله ابزار کنش سیاسی بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ ایفای نقش کردند؛ زیرا، آنان در دغدغه مقابله با ایران به‌منزله دشمن اصلی با کشورهای عربی و غربی هم‌فکر بودند. بنابراین، به‌ویژه اعتراضات در

سوریه وضعیت خشونت‌آمیز پیدا کرد؛ زیرا، اولاً، مخالفت‌های سیاسی به ورطه درگیری فرقه‌ای بین سنی و علوی کشیده شد و ثانیاً، حمایت خارجی نامتوازی به نفع گروه‌های سلفی افراطی صورت گرفت (Lund, 2012). همین فرایند به ظهور داعش به‌مثابه «نسل سوم سلفی افراطی» منجر شد. در واقع، آنچه به داعش تبدیل شد همان دولت اسلامی عراق به رهبری ابوبکر البغدادی بود که با آغاز جنگ سوریه، ابتدا با درگیری با جبهه‌النصره (شاخه القاعده سوریه) حوزه نفوذ خود را به شام گسترش داد و خود را «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) نامید و پس از ناکامی میانجی‌گری الظواهری در فوریه ۲۰۱۴ (Jones, 2014: 23) از القاعده خارج شد و در نهایت، پس از تصرف شهر موصل در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ تشکیل «خلافت اسلامی» با هدف «پایان قرارداد سایکس-پیکو» را اعلام کرد (Lister, 2014: 15).

متأثر از ساختارهای معنایی نظام بین‌الملل، بحران هویت و تعریف کیستی جوانان مسلمان مهاجر در غرب یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های افراط‌گرایی در دهه اخیر بوده است که این پدیده عمدتاً با داعش پیوند یافته است. در تبیین این موضوع به اعتقاد اولیور روی افراط محصول «سرزمین‌زدایی از اسلام» است، یعنی آحاد جوانان مسلمان ساکن در غرب ریشه‌های فرهنگی خود را از دست داده‌اند (روا، ۱۳۸۷: ۱۸-۲۷) و همین بی‌هویتی در شرایط تبعیض اجتماعی ریشه افراط است که «نه ربطی به دین دارد و نه به سیاست، بلکه مسئله‌ای نسلی مرتبط با مسلمانان نسل دوم مهاجر به غرب است» (Roy, 2016). ویژگی برجسته داعش یارگیری فزاینده از بین همین جوانان اروپایی است؛ به گزارش سوفان گروپ (Soufan Group)، طبق اطلاعات «آژانس اطلاعات مرکزی امریکا» از ۸۱ کشور جهان (Barrett, 2014: 23)، حدود ۳۰۰۰ نفر آن‌ها اروپایی و امریکایی‌اند (Sanderson et al., 2015: 55). جذابیت داعش در کنار ترسیم خلافت اسلامی آن است که بر عنصر هجرت در رسانه‌های خود به‌شدت تبلیغ می‌کند. نظیر حدیثی به نقل از ابوذر غفاری که در نشریه دابق آمده است: «این وعده خداوند است که بزرگ‌ترین جمعیت مهاجر تاریخ اسلام در سرزمین شام برای یاری دولت اسلامی گرد هم می‌آیند» (Issue3, 5-9: 1435). با توجه به این تبلیغات، هجرت‌کنندگان به‌سوی داعش به‌وضوح ادعا می‌کنند انگیزه‌ای برای بازگشت ندارند، بلکه «کمک به مظلومان و شهادت در راه استقرار خلافت را بر داشتن پاسپورت قرمز اروپایی» ترجیح می‌دهند (Lister, 2014: 35).

ابومحمد العدنانی، سخن‌گوی پیشین داعش، روش برخورد با شیعیان را نقطه اصلی اختلاف این گروه با القاعده بیان کرد که القاعده به موعظه شیعیان معتقد بود، اما داعش

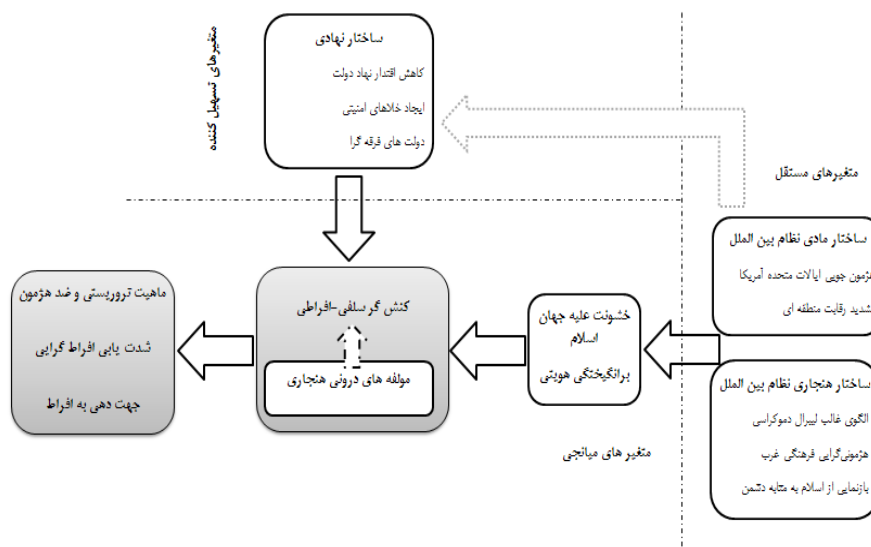
به دنبال جنگ با آن‌هاست (Al-Adnani, 2014 a). در این بین، مهم‌ترین مرجع فقهی داعش در کشتارها *مسائل من فقه الجهاد* اثر ابو عبدالله المهاجر است که کشتار غیرنظامیان مسلمان را (شیعیان) حتی اگر در صحنه نبرد حاضر نباشند، جایز اعلام کرد (عشوری، ۱۳۹۵). البته نسل سوم سلفی افراطی همچنان عملیات علیه اهداف غربی را نیز در دستور کار دارد، به‌ویژه براساس راه‌برد «النصر بالرعب» حملات علیه شهروندان و اماکن عمومی در کشورهای غربی با شناسایی و جذب «گرگ‌های تنها» (افراد دارای تمایلات افراط‌گرایانه اما تنها و سازمان‌نیافته) و استفاده از آن‌ها برای انجام دادن اقدامات تروریستی در کشورهای غربی است. به همین علت، ابو محمد العدنانی از مسلمانان در جوامع غربی خواست تا «منتظر فتوای هیچ‌کسی نباشند ... کافر را یافته و مغزش را در سنگ‌فرش خیابان بریزند»؛ زیرا، «حکم کافران یکی است. چه غیرنظامی و چه نظامی، همه بی‌ایمان هستند» (Al-Adnani, 2014b). اما داعش آن‌چنان‌که در *د/بقی آمده است*: «خواستۀ قلبی مجاهدین از زمان آغاز جهاد در این قرن را که همواره احیای خلافت بوده را به منزله فرصتی برای اتحاد امت تحت اقتدار خلیفه جامۀ عمل پوشانده است» ( Issue1, 1435: 411). شکل‌گیری خلافت شامل پنج گام است که داعش آن را طی کرده است: هجرت، جماعت، نفی طاغوت، تمکین، و خلافت (39-34). بنابراین، داعش برعکس رویکرد جنبشی القاعده، اساساً به دنبال سرزمینی در عراق و سوریه برای ایجاد کردن دولت و هسته‌ای اولیه برای خلافت اسلامی فراملی است (Friedman, 2014) که این خود مقدمه جهاد است.

## ۵. تأثیرات سه‌گانه (ماهیت، شدت، و جهت) نظام بین‌الملل در افراط‌گرایی

### ۱.۵ ماهیت تروریستی و ضد هژمون افراط‌گرایی

در دوران پس از جنگ سرد، جنگ‌طلبی امریکا با محاصره عراق در جنگ خلیج فارس، تقویت نظامی‌گری در عربستان، دخالت نظامی در سومالی ۱۹۹۳، پشتیبانی مستمر از ادامه اشغال فلسطین و جنوب لبنان به دست اسرائیل، و ... احساسات ضد امریکایی توده‌های مسلمان طی دهه ۱۹۹۰ را تحریک کرده بود. البته فشارهای نظام بین‌الملل به جهان اسلام، که به ادراک افراطی منجر شد، ابعاد هنجاری نیز داشته است؛ زیرا، برداشت غالب در جوامع مسلمان از فرایندهای جهانی شدن، در واقع غربی شدن و گسترش فرهنگ امریکایی است (Rabi, 2000: 27; Najjar, 2005: 91). بنابراین، اختلاف اسلام‌گرایان سلفی با غرب امری

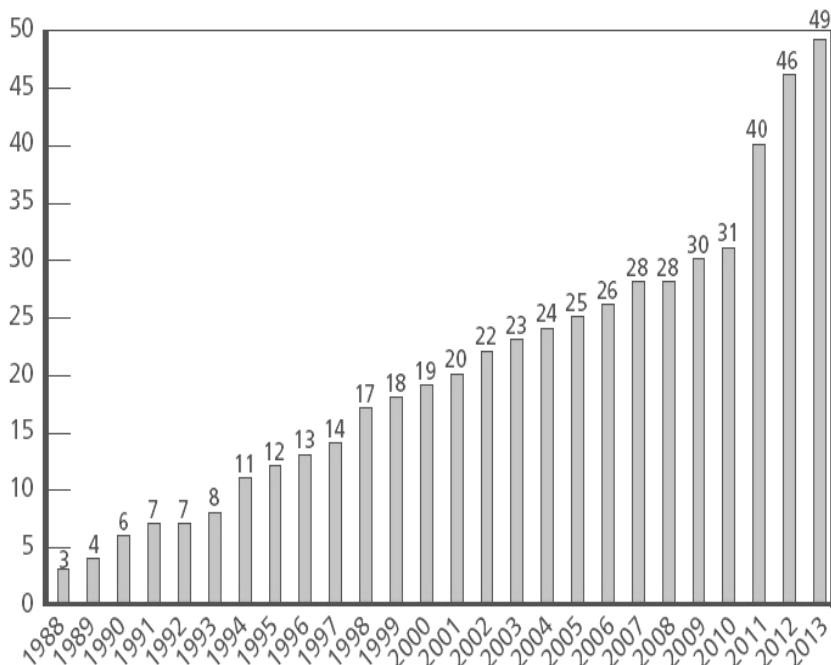
ذاتی و مرتبط با اصل اسلام تلقی نمی‌شود، بلکه امری است که در روندی تاریخی شکل گرفته است و در شکل‌گیری این تعارض اسلام‌گرایان در خلأ رشد نیافته‌اند، بلکه در تعامل با غرب به این شکل قوام یافته‌اند و غرب نه تنها نظاره‌گر بی‌طرف این موضوع نبوده است، بلکه با اقدامات تهاجمی سرزمینی و فرهنگی خود تصور افراط‌گرایان را به خود قوام بخشیده است. در واقع، گفتمان سیاسی جریان افراط‌گرایی اسلامی برخاسته از احساس ناامنی هویت، باورها، و رویه‌های اجتماعی درمقابل ساختارهای جهان معاصر است. در نتیجه، با توجه به وضعیت ساختاری نظام بین‌الملل می‌توان دو خصوصیت کلی برای عموم گروه‌های افراطی مذهبی و به‌ویژه سازمان القاعده ذکر کرد: نخست این‌که دکنترین آن‌ها در پاسخ به تهدیدات سیاسی قدرت هژمون شکل و حالتی تروریستی به‌خود می‌گیرند؛ دوم، رویکرد این گروه‌ها و تبلیغات آنان برای جذب نیرو، توجیه اقدامات، و ... با ادله‌های مشروعیت‌بخش دینی ارائه می‌شود (Ashraf, 2004: 32). برداشت القاعده مبتنی بر مظلومیت مسلمانان در برابر هجوم فرهنگی و بحران‌های مادی نظام بین‌الملل آنان را به موازنه سخت با نظام حاکم بین‌الملل کشاند.



شکل ۲. متغیرهای مستقل و تسهیل‌کننده نظام بین‌الملل در تثبیت در ماهیت تروریستی، شدت، و جهت افراط‌گرایی

## ۲.۵ تشدید و پراکندگی افراط‌گرایی در گستره جهانی

مؤلفه دیگر متأثر از ساختار نظام بین‌الملل بین‌المللی شدن و تشدید جهاد است. در دهه ۱۹۹۰ و پس از ۲۰۰۰ به واسطه تجاوزهای ناشی از نظام بین‌الملل جدید و هژمون‌گرایی آمریکا در بحران‌های عراق، چین، بوسنی، فلسطین، و ... به شیعی یک‌نواخت بر تعداد گروه‌های سلفی و جهادی افزوده شده است. مثلاً موضوع افراط‌گرایی در پاکستان پس از سال ۲۰۰۱ نیز افزایش چشم‌گیری داشته است، به گونه‌ای که در این سال تعداد ۲۴ سازمان فرقه‌ای با گرایش افراطی در این کشور وجود داشت، اما در شش سال پس از آن فقط در مناطق قبایلی بیش از ۵۰ گروه افراطی را می‌توان شناسایی کرد که مهم‌ترین آن‌ها طالبان پاکستان است (محبوبی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۲). تعداد حملات انتحاری در پاکستان از جمله‌ای در سال ۲۰۰۲ به بیش از ۹۰ حمله در سال ۲۰۰۹ رسید (Chicago Project, 2016). حمله پیش‌دستانه آمریکا و اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، سبب تمرکز افراط‌گرایانی در عراق شد که از افغانستان پراکنده شده بودند و عملیات انتحاری به شیوه غالب جهاد تبدیل شد (مهربان، ۱۳۸۷: ۳۲؛ Pape, 2010: 150). در کشور سومالی نیز همین حضور و مداخله نیروهای خارجی از جمله عوامل مؤثر در انتخاب رفتار خشونت‌آمیز از سوی گروه‌های اسلام‌گرا بوده است. از بین این گروه‌ها الشباب سومالی از جمله برجسته‌ترین گروه‌های تروریستی است که به‌منزله بازوی نظامی «دادگاه‌های شریعت اسلامی» در اواسط سال ۲۰۰۴ شکل گرفت (مسعودنیا و فروغی، ۱۳۹۱: ۱۱۳). هم‌چنین، در سال ۲۰۰۹ شاخه «القاعده در شبه‌جزیره»<sup>۲</sup> به‌مثابه نقطه‌عطف سازمانی در القاعده تأسیس شد. این گروه از زمان تأسیس خود در سال ۲۰۰۹، سه‌بار مستقیماً ایالات متحده آمریکا را تهدید کرده است. انقلاب‌های عربی سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ دیگر مقطعی است که به‌واسطه کاهش حاکمیت دولت‌های اقتدارگرا باعث آزادی عمل گروه‌های سلفی در گستره وسیعی از کشورهای اسلامی گردید. حوزه عمل وسیعی فراتر از افغانستان و عراق در اختیار گروه‌های سلفی قرار گرفت که شامل کشورهایمانند سوریه، تونس، لیبی، مصر، الجزایر، نیجریه می‌شود. در نتیجه، همان‌گونه که در شکل ۳ مشخص است، تعداد گروه‌های سلفی - جهادی متعاقب انقلاب‌های عربی به‌یک‌باره رشد کرده است. هم‌چنین، آمارهای دیگر نیز نشان می‌دهد تعداد پیکارجویان سلفی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ بیش از سه برابر شده است (Jones, 2014: 27).



شکل ۳. رشد تعداد گروه‌های سلفی - جهادی  
در سال‌های بین ۱۹۸۸ تا ۲۰۱۳ (Jones, 2014: 27).

گروه‌های ذیل در این مدت شکل گرفته‌اند:

- در شمال آفریقا: شبکه «محمد جمال»، «مجلس شورای مجاهدین»، و «انصار بیت المقدس» در مصر؛ «انصار الشریعه» و تشکیلات «عقبه ابن نافع» در تونس؛ «انصار الشریعه» در لیبی.

- در غرب آفریقا: «القاعده در مغرب اسلامی» و «حرکت انصارالدین» در مالی؛ «المرابطون» در الجزایر؛ «بوکوحرام» با نام اصلی «جماعة أهل السنة للدعوة و الجهاد» در نیجریه.

- در غرب آسیا: دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، جبهة النصرة (الفتح الشام)، احرار الشام، و ... در سوریه.

یکی دیگر از شاخصه‌های تشدید کنش جهادی موضوع «جهادگران خارجی» است، که نتیجه فرعی گسترش تنازعات منطقه‌ای در جهان اسلام است. طبق نتایج مطالعات آماری، حدود پانزده‌هزار جنگ‌جو و مبارز خارجی از حداقل ۹۰ کشور گوناگون، که به استخدام یا

عضویت گروه‌های مختلف سلفی جهادی درآمده‌اند، در سوریه و عراق فعالیت دارند. در نتیجه، جنگ داخلی سوریه سقف ورود جنگ‌جویان خارجی برای جهاد را در مقایسه با قبل در جنگ افغانستان، با تعداد دوازده‌هزار نفر، شکسته است (Barrett, 2014: 23).

### ۳.۵ جهت‌دهی عملیاتی به افراط‌گرایی

هرچند ساختارهای مادی و هنجاری نظام بین‌الملل عوامل مستقل در تعیین ماهیت و شدت‌گیری افراط‌گرایی به‌شمار می‌رود، اما آنچه در نهایت، جهت حرکت گروه‌های افراطی را مشخص می‌کند وجود شاخصه «خلاً امنیتی» در مناطق جغرافیایی است. این شاخصه نیز کاملاً در پیوند با ساختار مادی نظام بین‌الملل قرار دارد. به‌گونه‌ای که خواست هژمون برای ایجاد بحران بی‌توجهی یا بالعکس تضمین امنیت جغرافیایی خاص را مشخص می‌کند که در منطقه‌ای خلاً امنیتی و فروپاشی دولت صورت گیرد یا خیر.

بنابراین، رشد گروه‌های سلفی - جهادی از این منظر نیز تحلیل‌پذیر است که در مقاطع گوناگون بحران در یک واحد جغرافیایی که دچار خلاً امنیتی شده و جذابیت ایدئولوژیک برای جریان سلفی داشته است، محملی برای توسعه گروه‌های جهادی بوده است. بحران سوریه در ۲۰۱۱ مقطعی است که باعث رشد گروه‌های سلفی جهادی شد که البته در این مورد خواست هژمون و قدرت‌های هم‌سوی منطقه‌ای عامل اصلی در انتخاب این کشور و شروع بحران بوده است. حتی در نگرش راهبردی گروه‌های افراطی نیز به‌منظور ضعف نظامی و عملیاتی، حمله به نقاط آشوب‌زده راهبرد مطرح می‌شود. به‌گونه‌ای که ابومصعب السوری تأکید می‌کند: «طرف ضعیف نمی‌تواند خالق راهبرد باشد. لذا بهتر است راهبرد متناسب با شرایط تغییر کند» (السوری، ۱۴۲۵: ۱۱۱۴). بنابراین، انتخاب جغرافیای عملیاتی بیش از آن‌که ناشی از انتخاب افراط‌گرایان و تفکرات دینی آنان باشد، اقتضایی و فرصت‌محور است. بنابراین، گفته می‌شود: «آشوب مغناطیس جهادی‌هاست».

## ۶. تأثیر کارگزار افراطی بر ساختار نظام بین‌الملل

### ۱.۶ تحکیم نظم هژمونیک

چنانچه مشخص است کارگزار افراطی به‌لحاظ مفهومی و تاریخی در سال‌های پس از فروپاشی شوروی دچار تحولات بسیاری شده است. از ویژگی‌های اصلی نظم پساجنگ‌سرد در سال‌های دهه ۱۹۹۰ به ابهام راهبردی در سیاست خارجی امریکا به‌منزله یگانه قطب قدرت



بازمی‌گردد. امریکا در این دوره نتوانست نظام تک‌قطبی موردنظر خود را تثبیت کند. به عبارت دیگر، این دوره را باید دوره گذار در نظام بین‌المللی نامید (سجادپور، ۱۳۸۰: ۹۷۲). یازدهم سپتامبر اصلی‌ترین کنش افراط‌گرایان سلفی با هدف مجبورکردن امریکا برای خروج از جهان اسلام با استفاده از ابزار موازنه وحشت بود. به نظر می‌رسد کارگزار افراط‌گرایی (القاعده) پس از دوره‌ای چندساله تعامل و سپس تخاصم با امریکا، که با آزادی عمل نسبی آنان همراه بود، به دنبال واردکردن ضربه آخر بر قدرت متجاوز امریکا بود که بن‌لادن آن را مانند نبرد «موت» در صدر اسلام ارزیابی می‌کرد که «منجر به زوال قدرت امریکا و حتی غرب کافر می‌گردد» (Bin Laden, 2004: 224). اما این حملات موجب شد غرب از این فضا استفاده کند و تمامی اسلام را به صورت تروریستی، جهادی، رادیکال، و بنیادگرا نشان دهد. این حملات بهانه عینی و مشروعیت ذهنی لازم برای سیاست مبتنی بر «تفوق» در نظام بین‌الملل را فراهم کرده است و هم‌چنین حرکت به سمت اهداف ژئوپلیتیکی را به همراه داشته است. به گونه‌ای که موجب تسهیل ایجاد نظم هژمونیک جهانی شود (تخشید و نوریان، ۱۳۸۷). عملیات تروریستی یازده سپتامبر باعث شد امریکا با در نظر گرفتن چالش‌گران اصلی این کشور (بازیگران فراملی برخوردار از قدرت نامتقارن) (Asymmetric Power) سیاست اشاعه ارزش‌ها را به گونه‌ای تهاجمی پی‌گیری کند (دهشیار، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۸؛ Miller, 2006: 18). بر همین اساس، دولت بوش طرح «خاورمیانه بزرگ» را در قالب سیاست «تغییر رژیم» و روی کار آوردن نظام‌های مطلوب، با حمله به افغانستان (۲۰۰۲) و عراق (۲۰۰۳) آغاز کرد. آن‌ها این منطقه را باتلاقی فرض کردند که باید آن را خشکاند؛ زیرا، این باتلاق افراط‌گرایانی مانند بن‌لادن را پرورش می‌دهد که برخلاف منافع ملی ایالات متحده و امنیت بین‌المللی است (Cook, 2005). به همین علت، گفته شده است که اشغال نظامی عراق نقطه اوج هژمون‌جویی ایالات متحده بود. به گونه‌ای که برخی این جنگ را باعث تغییر ساختار نظام بین‌الملل پساجنگ سرد از «هژمونیک منعطف» به «هژمونیک غیرمنعطف و استبدادی» ارزیابی کردند (قاسمی، ۱۳۸۵: ۷۰).

اما تشدید گرایش‌های تهاجمی امریکا برای تسلط هژمونیک در منطقه غرب آسیا با اشغال عراق به مرور باعث بروز موانع متعددی در مسیر گرایش هژمونیک امریکا شد. ناتوانی امریکا در مهار تروریسم افراطی در عراق و ضربات وارده به این کشور، تغییر روند سیاسی عراق با حضور نیروهای ملی این کشور، و سیاست‌های ناهم‌سو در بین برخی متحدان امریکا باعث شد عملاً اشغال عراق به باتلاقی برای امریکا تبدیل شود (Shah, 2013). ریچارد هاس، عضو شورای روابط خارجی امریکا، در مقاله‌ای با عنوان «خاورمیانه جدید» در نشریه *فارین افایر* در ۲۰۰۶ تأکید کرد:

یکی از طعنه‌های تاریخ این است که اولین جنگ با عراق در سال ۱۹۹۱ - یک جنگ ضروری و فوری - نشان دهنده آغاز دوران امریکایی خاورمیانه بود و جنگ دوم عراق ۲۰۰۳ - یک جنگ انتخابی و البته غیرضروری - نیز پایان این دوران را تسریع کرد (Haass, 2006).

براین اساس، پیروزی باراک اوباما در انتخابات ۲۰۰۸ نشان‌دهنده فاصله‌گرفتن نظام بین‌الملل از هژمونیک‌گرایی تهاجمی امریکا به سوی عرصه جدیدی بود که به تعبیر کسینجر در چهارچوب «دیپلماسی کنسرت» قرار داشت. دورانی که هیچ قدرت برتر جهان در آن وجود ندارد یا اگر وجود دارد، برای برقراری ثبات خویشتن داری می‌کند تا هم‌کاری لازم بین قدرت‌های بزرگ برای اجرای قواعد و هنجارهای بین‌المللی شکل بگیرد (Kissinger, 2009).

## ۲.۶ جهانی شدن امنیت مبتنی بر تهدید تروریسم افراطی

دیوید راپاپورت در تبیین «چهار موج تروریسم» تروریسم افراطی القاعده را با عنوان موج چهارم تروریسم مدرن، یعنی تروریسم مذهبی، می‌نامد که از نظر او پس از سه موج «آنارشیستی» با محوریت ترور «موج ضداستعماری» با حمله به اهداف نظامی در دهه‌های ابتدای قرن بیستم، اواخر دهه ۱۹۶۰، و «موج چپ جدید» با تمرکز بر هواپیماربایی به وجود آمده است. از نظر او، موج تروریسم مذهبی با مشخصه عملیات‌های انتحاری شناخته می‌شود (Rapaport, 2002). براین اساس، با اعلام جهاد القاعده در حوادث یازدهم سپتامبر، گفتمان اسلام سلفی در آستانه امنیتی شدن قرار گرفت. با ورود شورای امنیت در صدور قطع‌نامه‌های ضدتروریسم پس از ۲۰۰۱، گفتمان اسلام سلفی، به‌طور رسمی امنیتی و مسئله‌ای در چهارچوب صلح و امنیت بین‌المللی شد (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱۸۹-۱۹۱).

اما آنچه به‌منزله تأثیر گروه‌های سلفی افراطی بر مفهوم تروریسم و جدی‌شدن تهدید آن می‌توان گفت این است که تروریسم جدید اولاً، به‌لحاظ مرتکبان و سازمان‌دهی، طبیعتی فراملی دارد؛ ثانیاً، مبتنی بر نوعی الهام و افراط‌گرایی مذهبی است؛ ثالثاً، تروریست‌های جدید به سلاح‌های کشتار جمعی دسترسی دارند و هدفشان حمله به بیش‌ترین مردم ممکن است؛ و رابعاً، آن‌ها قربانیان خود را به‌دقت انتخاب و دست‌چین نمی‌کنند، بلکه آن‌ها را به‌صورت غیرتبعیض‌آمیز برمی‌گزینند (Duyvesteyn, 2007: 439-440). با توجه به فرایندهای تهدید امنیتی در نظام بین‌الملل منبعت از اسلام سلفی افراطی، می‌توان «منازعه نامتقارن» را به‌مثابه اصلی‌ترین الگوهای تعارض در نظام بین‌الملل جدید شناسایی کرد. منازعه‌های نامتقارن

جلوه‌ای از کنش مبتنی بر قدرت نابرابر بازیگران سیاسی و امنیتی محسوب می‌شود که در این وضعیت کنشگران هویت‌گرا برای مقابله با تهدیدهای قدرت‌های بزرگ و بازیگران مؤثر منطقه‌ای، از انگیزه و ابتکار عملیاتی بیش‌تری خواهند داشت (متقی، ۱۳۹۰: ۵۱). در این بین، شاید بتوان حوادثی نظیر یازده سپتامبر ۲۰۰۱ نیویورک و سیزده نوامبر ۲۰۱۵ پاریس را به‌منزله درک جدید از تحولات سیاست جهانی براساس نقش‌یابی بازیگران پیرامونی به‌ویژه نیروهای هویتی دانست. دو حادثه یادشده که به فاصله چهارده سال از یک‌دیگر اتفاق افتاده‌اند را می‌توان شکل جدیدی از «جنگ نامتقارن» در فضای «امنیت آشوب‌زده» دانست (Wood and Murrow, 2015: 6).

### ۳.۶ آشوب و تضعیف الگوی دولت - ملت

حوزه دیگر تأثیرگذاری کارگزار سلفی افراطی بر نظام بین‌الملل به اجزای تشکیل‌دهنده این نظام بازمی‌گردد. این مسئله در جهان اسلام و منطقه عربی بیش از دیگر نقاط مشاهده می‌شود. در مقطع اخیر، ظهور داعش و اشغال ناگهانی موصل به‌دست این گروه در دهم ژوئن ۲۰۱۴، باعث شد تا به‌سرعت شکاف‌های قومی و مذهبی به مناقشات سرزمینی تبدیل شود. ابوبکر البغدادی، رهبر داعش، در بیست‌ویکم ژوئن ۲۰۱۲ بر «اهمیت به‌کار بستن قانون شریعت، متحد کردن علما با ازین بردن مرزهای قراردادی، ریشه‌کن‌سازی ملی‌گرایی کثیف و اشکال دیگر وطن‌پرستی، و اعاده دولتی اسلامی که مرزهای ساختگی را به‌رسمیت نمی‌شناسد و به هیچ ملیتی جز اسلام معتقد نیست» تأکید کرد (Moniquet, 2013: 12). عملکرد افراط‌گرایی نیز در گسترش این مناطق جغرافیایی، که فاقد قدرت مرکزی‌اند، برای ایجاد بهشت‌های امن تأثیر گذاشته است. گروه سلفی افراطی فراگیر و مشهور مرتباً به فعالیت‌های روبه‌تحول خود ادامه می‌دهد و حکومت‌های ضعیف را تهدید می‌کند و مردم در جوامع گوناگون، به‌ویژه مسلمان، را که به‌طور فزاینده‌ای بر اثر بحران‌های اقتصادی و شکاف‌ها و اختلافات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی قطب‌بندی و دچار انشقاق می‌شوند، به افراطی‌گرایی دعوت می‌کنند و سوق می‌دهند و درنهایت، این مبارزان، که عمدتاً در کوه‌ها یا صحراها پنهان شده‌اند، موجب بی‌ثباتی دولت‌ها می‌شوند (Malka and Lawrence, 2013). مثلاً حمله آمریکا به عراق و نابودی حکومت بعثی این کشور شرایط را برای حضور القاعده فراهم کرد. منطقه غرب آفریقا و سواحل اقیانوس آرام نیز در دهه گذشته به‌سبب بی‌ثباتی و نبود کنترل دولتی به مأمین افراط‌گرایی و تروریسم تبدیل شده است. «القاعده در مغرب اسلامی» هدف خود را تأسیس امارتی اسلامی در

صحرای بزرگ اعلام کرد که از مرز موریتانی و الجزایر تا سرحدات چاد امتداد دارد (Moniquet, 2013: 22). گروه «بوکو حرام» نیز در نیجریه توانسته است بحران اقتدار دولت مرکزی را ایجاد کند. در شرق افریقا نیز فعالیت گروه «الشباب» در دهه اخیر نه تنها از تثبیت دولت در این کشور جلوگیری کرده است، بلکه بحران را به اریتره، کنیا، و ... نیز گسترش داده است. افزایش دزدی‌های دریایی در سواحل سومالی، خلیج عدن، و ... نیز از نتایج عملکرد افراط‌گرایی در سومالی است.

#### ۴.۶ فرهنگ هابزی علیه اسلام و فرهنگ کانتی در مجموعه امنیتی غرب

افراط‌گرایی با خلق حادثه یازدهم سپتامبر و تحولات پس از آن باعث شد تا دوقطبی‌سازی جهان به دو محور خیر و شر مبنای دستورکار مبارزه با تروریسم قرار بگیرد، اما دستورکار مبارزه با تروریسم فراتر از راه‌بردی امنیتی در سطح سیاست بین‌الملل اساساً به گفتمانی تبدیل شد که براساس آن رویه‌های بین‌المللی در حوزه هویتی و هنجارهای تعاملی بین بازیگران را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. در سطح نخست، تشدید رقابت و منازعه در سطوح ملی در کشورهایی مانند عراق، سوریه، سومالی، و یمن نشان می‌دهد که افراط‌گرایی سلفی و هم‌چنین برخی شورش‌های ناشی از گروه‌های هویت‌گرا، که باعث بروز آشوب منطقه‌ای می‌شوند، در تقابل و ستیزش با الگوی حاکم دولت‌محوری نظام بین‌الملل قرار دارند. در سطح دوم، تشدید تنازع گفتمانی بین «اسلام‌گرایی» به‌طور کل و «لیبرالیسم» از ویژگی‌های فرهنگی نظام بین‌الملل است که به قطب‌بندی در ساختار مادی نظام بین‌الملل بین مجموعه امنیتی غرب به‌منزله جریان موافق وضع موجود با جریان افراط‌گرایی به‌مثابه چالشی دربرابر نظم مستقر منجر می‌شود. اما فراتر از این مسئله و در سطح سوم، اصولاً با امنیتی‌شدن اسلام، نوعی جنگ فرهنگی بین اسلام و غرب را نیز می‌توان مشاهده کرد.

به‌گونه‌ای که طبق تحلیل هانتینگتون جنگ تازه بین اسلام افراطی و امریکا شباهت بسیاری با دوران جنگ سرد دارد. دشمنی با مسلمانان امریکایی‌ها را تشویق می‌کند تا هویت خود را به‌لحاظ سیاسی و آرمانی تعریف کنند (هانتینگتون، ۱۳۸۴: ۴۹۱).

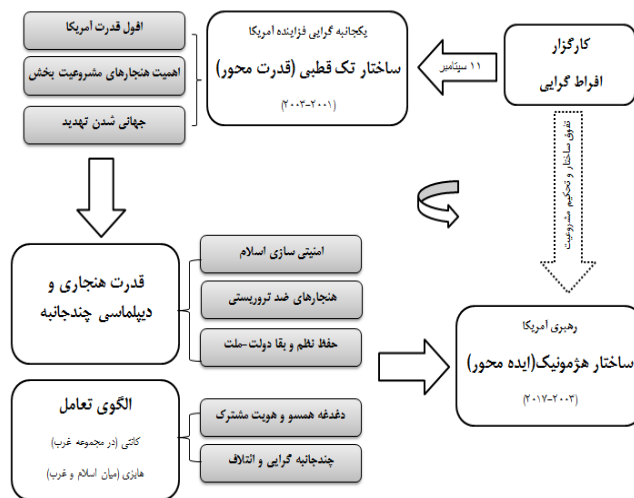
متناظر با تشدید فرهنگ هابزی ستیزش‌محوری در یک سطح و تعاملات هم‌کاری‌جویانه در سطح دیگر و بین کشورهای غربی افزایش می‌یابد. در این‌جا، برای تبیین این موضوع می‌توان به مفاهیم «وابستگی متقابل» و «نگرانی‌های مشترک» اشاره کرد که ناشی از آسیب‌پذیری واحدهای ملی از تهدیداتی مشترک است که موجب می‌شود دولت‌ها دربرابر نگرانی‌های مشترک، رفتاری هم‌سو و هماهنگ از خود بروز دهند. وجود تهدید

تروریسم سلفی موجب شد تا ایالات متحده آمریکا بتواند مشروعیت لازم برای کنش‌گری نظامی و هم‌راه‌سازی کشورهای گوناگون را در قالب ائتلاف‌های سیاسی و نظامی فراهم آورد. این وضعیت راه‌برد ائتلاف مبتنی بر فرهنگ لاکسی (هم‌کاری‌جویی برای امنیت و منفعت دسته‌جمعی) را پیش روی بازیگران قرار می‌دهد که در روابط بین‌الملل پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود و از اوایل دهه ۱۹۹۰ به اقدام مشترک کشورها - معمولاً در چهارچوب مجوز شورای امنیت - علیه بازیگران اخلاص‌گرا می‌شود. در نتیجه، راه‌برد ائتلاف‌سازی در قالب فرهنگ لاکسی تاکنون در چهار بحران جنگ اول خلیج فارس (۱۹۹۰)، جنگ علیه تروریسم در افغانستان (۲۰۰۲)، جنگ علیه عراق (۲۰۰۳)، و ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در (۲۰۱۴) به کار گرفته شده است.

## ۷. افراط‌گرایی سلفی و مشروعیت نظم هژمونیک

افراط‌گرایی در دوران پساجنگ سرد تأثیری دوگانه در ماهیت قطبی نظام بین‌الملل داشته است؛ از یک سو، فرصت، بهانه، و شرایط لازم را برای حرکت نظام بین‌الملل پساجنگ سرد از حالت گذار به سوی نظامی تک‌قطبی یا سلسله‌مراتبی دستوری فراهم کرد (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۷۷۵). اما از سوی دیگر، تشدید مسئله افراط‌گرایی و وقوع بحران‌های پیاپی ناشی از افراط‌گرایی و کنش تهاجمی آمریکا در مناطق گوناگون جغرافیایی جهان باعث افول قدرت آمریکا و نظم تک‌قطبی مدنظر او شد. بر همین اساس، در طیف‌بندی مفهومی و روند تاریخی اشاره شد که نقطه تحمیل‌گری کارگزار افراطی بر ساختار بین‌الملل در یازده سپتامبر باعث شد دوره تفوق ساختار بر کارگزار با کنش تهاجمی آمریکا در نظام بین‌الملل ایجاد شود که حداقل تا سال ۲۰۰۳ تداوم داشت. اما اثر دوم کنش افراط‌گرایی در نظام بین‌الملل آن بود که پس از سال ۲۰۰۳ با ناکامی آمریکا در هم‌راهی جامعه بین‌الملل و شکست پروژه ملت‌سازی در عراق و افغانستان متحمل آن شد. در نتیجه، پس از مقطعی که نظام بین‌الملل شاهد حرکت تهاجمی آمریکا و تدوین هنجارهایی نظیر دفاع پیش‌گیرانه بود، نظم تک‌قطب‌محور بین‌الملل به سوی نوعی هژمونی نرم و باز ایالات متحده حرکت کرد. بر همین اساس، آمریکا در نظام بین‌الملل پساجنگ سرد همواره فراز و نشیب‌های فراوانی بین «رهبری» و «سلطه» داشته است. به ویژه در سال‌های اخیر به نحوی در صدد دوری از «هژمونی سلطه‌گر» و ایفای نقشی «رهبری» برای دولت هژمون امریکاست (قریب، ۱۳۹۰: ۴۷).

برساختن تروریسم افراطی به‌مثابه اصلی‌ترین تهدید جامعه بین‌الملل و بقای دولت - ملت‌ها در قالب تهدیدات نامتقارن از منظر ساختار مادی و امنیتی‌سازی اسلام در حوزه فرهنگی - هنجاری باعث شد تا نظام بین‌الملل واجد ابعاد هژمونیک شود. بازنمایی و تشدید مکرر و ادواری تهدید افراط در روندی طولانی‌مدت باعث شد تا فهم مشترکی از آسیب‌های پیش‌روی نظم و ثبات بین‌الملل ایجاد شود. هدف این نظم عمدتاً کنترل خشونت و مهار تأثیرات منفی آنارشی در گستره نظام بین‌الملل است که این مهم عمدتاً از سوی قدرت هژمون شناسایی و مهار می‌شود. این نظم ایده‌محور، که چهارچوب رفتار بازیگران بین‌المللی اعم از دولتی و غیردولتی را تعریف می‌کند، مبتنی بر یک‌سری هنجارها، رویه‌ها، الگوها، قوانین، و معیارهایی است که بازیگر مسلط جهانی، تدوین، توجیه، و پیاده‌سازی آن‌ها را به‌لحاظ ضرورت تأمین منافع ملی خود هدایت می‌کند. البته قدرت به این معنا نیست که دولتی توانایی خودش را در هر زمان و هر روش به‌کار گیرد (رضایی، ۱۳۸۸: ۱۶۳).



شکل ۴. روند مفهومی تأثیرگذاری کنشگر افراطی بر ساختار نظام بین‌الملل

براساس تحلیل سازه‌انگاری کار ویژه قواعد تبدیل عوامل مادی قدرت به منابع است. برخورداری آمریکا از منابع قدرت مادی و ترسیم تهدید اسلام در فضای هنجاری بین‌الملل باعث شد این کشور ظرفیت‌های بیش‌تری در ایجاد قواعد و هنجارهای بین‌المللی نظیر گفتمان جنگ علیه تروریسم و حمله پیش‌دستانه بیابد. هرچند دوران هژمون‌گرایی سخت

امریکا، که می‌توان آن را مقطعی تک‌قطبی در نظام بین‌الملل نامید، به علت هزینه‌های جنگ عراق و افغانستان دچار فرسایش شد، اما روند حرکتی امریکا در قالب چندجانبه‌گرایی و تحقق نظام هژمونی در گستره بین‌الملل تداوم یافت. بنابراین، برای تبیین تأثیر کنشگر افراطی در ساختار بین‌الملل در بازه زمانی پساجنگ سرد می‌توان گفت: کنش افراط‌گرا ضمن این‌که با تحمیل خود در مقطع یازده سپتامبر باعث تغییر نظام بین‌الملل از شرایط درحال‌گذار به تک‌قطبی گردید، اما به‌طورکلی به اتخاذ راه‌برد ائتلاف (الگوی لاک‌بی در مجموعه امنیتی غرب) منجر شد که محصول تلاش امریکا برای ایجاد و تثبیت قدرت هژمونیکش در نظام بین‌الملل (ساختار مادی) بود و البته به دلیل برخورداری امریکا از منابع قدرت و تبدیل آن به قواعد، واجد ابعاد پررنگ هنجاری و ارزشی برای جنگ علیه تروریسم و تهدیدانگاری علیه اسلام (ساختار هنجاری) نیز است. نتیجه همه این تحولات تحکیم و مشروعیت‌بخشیدن به نظامی هژمونیک در سطح بین‌الملل است.

## ۸. نتیجه‌گیری

هدف اصلی در این پژوهش تفهیم قوام‌یافتن متقابل هویت اسلام سلفی افراطی و نظام بین‌الملل بود. به‌همین سبب، در ابتدای مقاله براساس مبانی فرانظری سازهانگاری و شاخصه‌های کارگزاری افراط‌گرایی شاخصه‌های ساختاری نظام بین‌الملل تحلیل شد و در گام دوم، براساس ادراک بین‌ذهانی گروه‌های افراطی روندی تاریخی/ هویتی از سه نسل جریان سلفی افراطی توصیف شد. به‌گونه‌ای که درباره چگونگی تأثیرات ساختار بر کارگزار باید گفت مؤلفه‌های نظام بین‌الملل (هنجاری، مادی، و نهادی) و رشد کنش هژمونیک در نظام بین‌الملل باعث شد جهاد به‌منزله الگویی جهانی تشدید شود، در مناطق گوناگون جغرافیایی پراکنده شود، و جریان افراطی خود را بلوک ضد هژمون مسئول بسیج جهان اسلام در برابر غرب کافر و متجاوز معرفی کند. پس از بررسی تأثیرات ساختار بین‌الملل در کارگزار سلفی، به تحولات ساختار نظام بین‌الملل بر اثر رفتار بازیگران افراط‌گرا پرداخته شد. به‌گونه‌ای که کنش افراط‌گرا ضمن این‌که با تحمیل خود در مقطع یازدهم سپتامبر باعث تغییر نظام بین‌الملل از وضعیت درحال‌گذار به تک‌قطبی شد، اما به‌طورکلی به اتخاذ راه‌برد ائتلاف (الگوی لاک‌بی در مجموعه امنیتی غرب) منجر گردید که محصول تلاش امریکا برای ایجاد و تثبیت قدرت هژمونیکش در نظام بین‌الملل (ساختار مادی) است و البته به‌علت برخورداری امریکا از منابع قدرت و تبدیل آن به قواعد، واجد ابعاد پررنگ هنجاری و ارزشی برای جنگ علیه تروریسم و تهدیدانگاری علیه اسلام (ساختار هنجاری) نیز است.

نتیجه همه این تحولات تحکیم‌شدن و مشروعیت‌بخشیدن به نظم هژمونیک در سطح بین‌الملل است. بنابراین، با تأکید بر این که ساختار و کارگزار رابطه‌ای سازه‌ای با یکدیگر دارند، می‌توان فرضیه اصلی پژوهش را این چنین تبیین کرد: نظام بین‌الملل پس‌اجنگ‌سرد و افراط‌گرایی در اسلام سیاسی در رابطه‌ای سازه‌ای و قوام‌بخشی متقابل با یکدیگر قرار دارند. به گونه‌ای که افراط‌گرایی ویژگی هژمونیک نظام بین‌الملل را قوام می‌بخشد و متقابلاً ساختار نظام باعث هویت‌یابی و تشدید افراط‌گرایی می‌شود. این رابطه متقابل باعث ایجاد دور خشونت‌آمیز بین افراط‌گرایی و نظام بین‌الملل شده است و این دو مرتباً یکدیگر را بازتولید می‌کنند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. بازگشت امپراطوری فارس

2. The Al-Qaeda in the Arabian Peninsula- AQAP

## کتاب‌نامه

- ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۹۲). *نوسلفی‌گری و جهانی‌شدن امنیت خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. الزرقاوی، ابومصعب (۱۴۲۷). *سلسلهٔ محاضرات هل آتاک حدیث الرافضه*، <https://archive.org/details/abumus>.
- السوری، ابومصعب (۱۴۲۵). *دعوة المقاومة الإسلامية العالمية*، <https://archive.org/details/Dawaaah>.
- الظواهری، ایمن (۱۴۲۳). «الولاء والبراء، عقیده منقوله و واقع مفقود، منبر التوحید و الجهاد»، <http://www.ilmway.com/site/maqdis/MS>.
- افتخاری اصغر (۱۳۸۲). «منطقه‌گرایی نوین و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه راهبرد*، ش ۲۷. بن لادن، اسامه (۲۰۰۹). *نص کلمة الشيخ أسامة بن لادن الى الشعوب الأوروبية، الصادرة عن مؤسسة السحاب للإنتاج الإعلامي*، [https://archive.org/details/all\\_osama\\_speech](https://archive.org/details/all_osama_speech).
- بوزان، باری و اولی ویور (۱۳۸۷). *مناطق و قدرت‌ها*، ترجمه رحمان قهرمان‌پور، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پرایس، ریچارد و کریستین رئوس اسمیت (۱۳۸۵). «رابطه خطرناک؟ نظریه انتقادی روابط بین‌الملل و مکتب سازه‌انگاری»، اندرو لینکلینتر: *نواقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازگی*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه.
- تخشید، محمدرضا و اردشیر نوریان (۱۳۸۷). «یک‌جانبه‌گرایی امریکا و تأثیر آن در نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *فصل‌نامه علوم سیاسی*، س ۱۱، ش ۴۱.



- جمشیدی، محمد (۱۳۸۶). «نظام‌های بین‌المللی تک‌قدرت‌محور: تک‌قطبی، هژمونی، امپراتوری»، *فصل‌نامه مطالعات راه‌بردی*، ش ۳۸.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۴). «۱۱ سپتامبر، ساختار نظام بین‌المللی و هژمونی امریکا»، *مطالعات راه‌بردی*، ش ۱۷ و ۱۸.
- رضایی، علی‌رضا (۱۳۸۸). «نظم ایده‌محور: الگوی ایالات متحده آمریکا از نظم در نظام بین‌الملل پساجنگ سرد»، *فصل‌نامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ش ۳.
- روا، البویه (۱۳۸۷). *اسلام جهانی شده*، ترجمه حسن فرشتیان، قم: بوستان کتاب.
- سجادپور، محمدکاظم (۱۳۸۰). «ایران و ۱۱ سپتامبر (چهارچوب برای درک سیاست خارجی)»، *فصل‌نامه سیاست خارجی*، س ۱۱، ش ۴.
- سیدقطب (۱۳۷۲). *ما چه می‌گوییم؟*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راه‌بردی*، ش ۴۷.
- گریفیس، مارتین (۱۳۸۸). *دانش‌نامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان*، ترجمه علی‌رضا طیب، تهران: نشر نی.
- فولر، گراهام و یان لسر (۱۳۸۴). *احساس محاصره: ژئوپلیتیک اسلام و غرب*، ترجمه علی‌رضا فرشچی و علی‌اکبر کرمی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۵). «ساخت ژئوپلیتیکی سیستم بین‌الملل نوین و استراتژی نظامی، امنیتی ایالات متحده آمریکا»، *فصل‌نامه ژئوپلیتیک*، ش ۲.
- قریب، حسین (۱۳۹۰). «مرزهای تداوم و تغییر در دکترین امنیت ملی اوپاما»، *فصل‌نامه روابط خارجی*، دوره ۳، ش ۱۰.
- قرلسفلی، محمدتقی (۱۳۸۶). «امپریالیسم و جهانی‌شدن»، *پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶.
- عشوری، محمدرضا (۱۳۹۵). «مانیفست توحش در فقه داعش»، *طومار اندیشه*، <https://toumar.info>، بازیابی در ۱۳۹۵/۳/۱۵.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰). «نشانه‌شناسی رفتار سیاسی آمریکا در خاورمیانه»، *مطالعات جهان*، دوره ۱، ش ۱.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲). «تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی»، *فصل‌نامه راه‌برد*، ش ۶۷.
- محبوبی، قربانعلی، شهراد شهوند و جعفر عظیم‌زاده (۱۳۹۲). «حضور نیروهای نظامی خارجی در افغانستان و گسترش افراط‌گرایی فرقه‌ای در پاکستان ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱»، *مطالعات جهان اسلام*، س ۲، ش ۱.
- محمدالغریب، عبدالله (۱۳۹۳). *طاعون: بررسی تحلیلی و ریشه‌های تاریخی ظهور تشیع افراطی*، ترجمه علی مطهری: سایت تمکین.
- مسعودنیا، حسین و عاطفه فروغی (۱۳۹۱). «نظری بر نقش گروه‌های اسلام‌گرا در سومالی»، *جامعه‌شناسی جهان اسلام*، دوره ۱، ش ۳.
- میراحمدی، منصور (۱۳۸۹). «گفتمان اسلامی و گفتمان جهانی»، *مجموعه مقالات اسلام و روابط بین‌الملل*، به‌کوشش حسین پوراحمدی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- مهربان، احمد (۱۳۸۷). «جنگ علیه تروریسم و افزایش حملات انتحاری در عراق و افغانستان»، فصل‌نامه راهبرد، س ۱۶، ش ۴۸.
- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۷). «جهانی‌شدن، امپریالیسم فرهنگی، و اسلام سیاسی در خاورمیانه»، فصل‌نامه مطالعات خاورمیانه، س ۱۵، ش ۵۴ تا ۵۵.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴). *چالش‌های هویت در آمریکا*، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷). «قواعد و هنجارهای بین‌المللی: پیدایش، تحول، و تأثیرگذاری»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، س ۱۱، ش ۴۲.

- Aaron, David (2008). *In Their Own Words Voices of Jihad*, RAND Corporation, National Defense Research Institute.
- Abuza, Zachary (2003). "Funding Terrorism in Southeast Asia: The Financial Network of Al Qaeda and Jemaah Islamiyah", *NBR Analysis*, Vol. 14, No. 5.
- Al-Adnani, Abu Muhammad (2014a). "This is not our methodology nor will it ever be", *Chabab Tawhid Media*, April 2014.
- Al-Adnani, Abu Muhammad (2014b). "Indeed Your Lord is Ever Watchful", *pietervanostaeyen wordpress*, September 22.
- Al-Baghdadi, Abu Bakr Al-Qurashi (2012). "Allah Will Not Allow Except that His Light Should Be Perfected", *Fursan Al-Balagh Media*, July 2012.
- Al-Zarqawi, Musab (2004). "Zar qawi Letter: February 2004 Coalition Provisional Authority English Translation of Terrorist al Zarqawi Letter Obtained by United States Government in Iraq," February 2004, U.S. Department of State:  
<http://2001-2009.state.gov/p/nea/rls/31694.htm>.
- Al-Zawahiri (2001). *Knights Under the Prophet's Banner: Meditations on the Jihadist Movement*, London: Al-Sharq Al-Awsat December 2, 2001.
- Al-Zawahiri, Ay Ayman (2013). *General Guidelines for Jihad*, As-Sahab Media Establishment.
- Ashraf, M. A. (2004). "True Islamic Teachings Compared to Al-Qaeda's Doctrine", *The review of Religions*, Vol. 99, No. 4.
- Azzam, Abdullah (2012a). *Defense of Muslim Lands: The First Obligation After Iman*, Published on Apr 20, 2012, Available in: <http://www.slideshare.net/baadshahm/defence-of-the-muslim-lands>.
- Azzam, Abdullah (2012b). *Al-Jihad Linguistically and Legally*, Available in:  
<https://archive.org/details/Al-jihad-LinguisticallyAndLegally>.
- Baqai, Huma (2011). "Extremism and Fundamentalism: Linkages to Terrorism Pakistan's Perspective", *International Journal of Humanities and Social Sciences*, Vol. 1, No. 6.
- Bar, Shmuel and Yair Minzili (2006). "The Zawahiri Letter and the Strategy of Al Qaeda", *Washington D.C.*, Hudson Institute, 2006.
- Barrett, Richard (2014). "The Islamic State", *The Soufan Group*, New York: November 2014.

- Beehner, Lionel (2006). "Iraqs Meddle Some Neighbors", *council for foreign relations*, August 31, Available in: <http://www.cfr.org/iraq/iraqs-meddlesome-neighbors/p11377>.
- Haykel, Bernard (2009). "On the Nature of Salafi Thought and Action", in *Global Salafism: Islam's New Religious Movement*, ed. Roel Meijer, London: Hurst.
- Bin Laden (2004). *Compilation of Usama Bin Ladin Statements 1994-2004*, FBIS Report-January 2004.
- Braniff, Bill and Assaf Moghadam (2011). "Towards Global Jihadism: Al-Qaeda's Strategic, Ideological and Structural Adaptations since 9/11", *Perspectives On Terrorism*, Vol. 5, Issue 2.
- Brooks, Stephen and William Wohlforth, (2001). "Power, Globalization and the End of the Cold War: Reevaluating a Landmark Case for Ideas", *International Security*, Vol. 25, No. 3.
- Chicago Project (2016). "Suicide Attack Database", *Chicago Project on Security and Terrorism*, CPOST data posted as of October 12, 2016, Available in: [http://cpostdata.uchicago.edu/search\\_results\\_new.php](http://cpostdata.uchicago.edu/search_results_new.php).
- Cook, Steven (2005). "The Right Way to Promote Arab Reform", *Council of Foreign Relations*, Available at: [www.cfr.org/publication/8115/right-way-to-promote-arab-reform.htm](http://www.cfr.org/publication/8115/right-way-to-promote-arab-reform.htm).
- Duyvesteyn, Isabelle (2007). "How New Is The New Terrorism?", *Studies in Conflict and Terrorism*, Vol. 27.
- Esposito, John L (2014). "ISIS, Radicalization, and the Politics of Violence and Alienation", *The Center for the Study of Islam and Democracy (CSID)*, Sep 3, 2014.
- Friedman, George (2014). "The Islamic State Reshapes the Middle East", *Geopolitical Weekly*, November 25.
- Friedman, George (2015). "The Middle Eastern Balance of Power Matures", *Stratfor*, Geopolitical Weekly March 31.
- Gause F. Gregory (2014). "Beyond Sectarianism: the New Middle East Cold War", *Brookings Institution: Doha Center analysis*, Number 11.
- Gerges, F (2005). *The Far Enemy: Why Jihad Went Global*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Gunaratna, Rohan (2003). *Inside Al-Qaeda: Global Network of Terror*, Melbourne: Scribe Publications.
- Hanzel, Christopher (2005). "The Origins of al Qaeda's Ideology: Implications for US Strategy", *Parameters*, Vol. 35, No. 1.
- Haass, Richard N. (2006). *The New Middle East*, foreign affairs, ESSAY Issue, December 1.
- Hegghammer, Thomas (2010). "The Rise of Muslim Foreign Fighters: Islam and the Globalization of Jihad", *International Security*, Vol. 35, No. 3.
- Jones, Seth G. A, (2014). *Persistent Threat The Evolution of al Qa'ida and Other Salafi Jihadists*, RAND Corporation, National Defense Research Institute.
- Kissinger, Henry (2009). "Obama's Foreign Policy Challenge", *Washington Post*, Wednesday, April 22.
- Lister, Charles (2014). "Profiling the Islamic State", *Brookings Institution: Doha Center analysis*, Number 13.

- Lupovici, Amir (2009). "Constructivism Methods: a Plea and Manifesto", *Review of International Studies*, Vol 35, No 1.
- Lund, Aron. (2012). "Syrian Jihadism", *Swedish Institute of International Affairs*, UL brief, No. 13.
- Malka, Haim and William Lawrence (2013). "Jihadi-Salafism's Next Generation", *CSIS*, Csis Middle East Program analysis paper October.
- Malka, Haim (2015). "Jihadi-Salafi Rebellion and the Crisis of Authority", in: *Religious Radicalism after the Arab Uprisings*, Editor: Jon B. Alterman, Washington: Rowman and Littlefield.
- Miller Steven E, (2006). "The Iraq Experiment and U.S National Security", *Survival*, Vo. 148, No. 4.
- Moniquet, Claude (2013). "The Involvement of Salafism/wahhabism in the support and supply of arms to rebel groups", *Policy Department DG External Policies*, 11 June 2013.
- Najjar, Fuzzy (2005). "The Arabs, Islam and Globalization", *Middle East Policy*, Vol. 7, No. 3.
- Pape, Robert and James Feldman (2010). *Cutting the Fuse: The Explosion of Global Suicide Terrorism and How to Stop It*, Chicago: University of Chicago Press.
- Rabi, Amer (2000). *Malaysia: Malta Jaya Globalization and the Muslim World*, Publishing House.
- Rapaport, David C (2002). "The Four Waves Of Rebel Terror and September 11", *Anthropoetics*, Vol 8, No. 1.
- Roy, Olivier (2016). "France's Oedipal Islamist Complex", *foreign policy*, January 7.
- Sanderson, Thomas M. and Michael Barber and Joshua Russakis (2015). "Key Elements of the Counterterrorism Challenge", *Religious Radicalism after the Arab Uprisings*, Editor: Jon B. Alterman, Washington: Rowman and Littlefield.
- Shah, Sabir (2013). "US Wars in Afghanistan, Iraq to Cost 6 trillion", *Globalresearch*, available at : <http://www.globalresearch.ca/us-wars-in-afghanistan-iraq-to-cost-6-trillion/5350789>.
- Wiener, Antje (2003). "Onstructivism: The Limits of Bridging Gaps", *Journal of International Relations and Development*, Vol. 6, No. 3.
- Wiktorowicz, Quintan (2006). "Anatomy of the Salafi Movement", *Journal Studies in Conflict and Terrorism*, Vol. 29, Issue 3.
- Wood, graeme (2015). "What ISIS Really Wants?", *Atlantic*, March 2015.
- Wood, Graeme and Edward Murrow (2015). "What ISIS Really Wants?" *Atlantic*, March Issue.
- Zehfuss, Maja (2002). *Constructivism in International Relations*, London: Cambridge University Press.